

نسخ خطی درباره نقش مسلمانان در تاریخ تمدن، خاک می‌خورند



غلامرضا جمشیدنژاد اول، مدرس و پژوهشگر تاریخ تمدن اسلامی می‌گوید نسخه‌های خطی زیادی درباره نقش مسلمانان و اسلام در تاریخ تمدن وجود دارد که در کتابخانه‌ها خاک می‌خورند و جامعه از آنها بی‌اطلاع است. این آثار در قالب ارائه پایان‌نامه‌ها باید ترویج و تبلیغ شوند.

دکتر غلامرضا جمشیدنژاد اول از معدود متخصصان تراز اول در حوزه تاریخ تمدن و فرهنگ اسلامی است. او در سال ۱۳۳۴ در شهرستان کاشمر به دنیا آمد. تحصیلات مقدمات حوزوی را در مدرسه علمیه قدیمی شهرستان کاشمر گذراند. در سال ۱۳۴۰ به حوزه علمیه مشهد رفت. در آنجا از محضر افرادی مانند شیخ محمدتقی ادیب نیشابوری، ادبیات فارسی و زبان و ادبیات عرب آموخت. همزمان فقه و اصول و منطق را در محضر آیت‌الله میرزا جواد تهرانی و کلام و فلسفه را از محضر آیت‌الله شیخ مجتبی قزوینی صاحب کتاب تفسیری ۱۰ جلدی «بیان الفرقان» فراگرفت. درس خارج فقه را از محضر آیت‌الله حسن میلانی بهره برد و اجازه تصدی امور حسبیه را از آیت‌الله فقیه سیزواری کسب کرد.

جمشیدنژاد در سال ۱۳۴۲ به تهران عزیمت کرد و در مدرسه شهید مطهری کنونی از محضر استادانی مانند آیت‌الله سید محمدکاظم عصار لواسانی، شیخ حسینعلی راشد، آقا سید رضی شیرازی، آیت‌الله لواسانی و آیت‌الله مازندرانی بهره برد. در همین مقطع اجازه روایت و حدیث را از آیت‌الله شیخ عبدالحسین ابن‌الدین کسب کرد. وی در ادامه سال ۱۳۴۷ به نجف اشرف رفت و در محضر آیت‌الله سید محسن حکیم مباحث مرتبط با خارج فقه را آموخت.

وی در ادامه به تهران بازگشت و تحصیلات دانشگاهی را در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد در رشته فرهنگ عربی و علوم قرآنی در دانشکده الهیات دانشگاه تهران ادامه داد و در سال ۱۳۷۴ در رشته تاریخ فرهنگ و تمدن ملل اسلامی درجه دکتری کسب کرد. از جمشیدنژاد تاکنون ۷۰ کتاب اعم از تالیف، ترجمه، تصحیح و ویراستاری منتشر شده است. با این مدرس و پژوهشگر تاریخ تمدن اسلام درباره کتاب‌هایی که در این حوزه نگاشته شده‌اند گفت‌وگویی داشته‌ایم که مشروح آن در ادامه می‌آید.

- به نظر شما مهمترین نقطه ضعفی که در آثار منتشرشده با موضوع تاریخ تمدن اسلام وجود دارد، چیست؟

کتاب‌هایی که در حوزه تاریخ تمدن اسلامی نوشته شده بیشتر نقلی و ترویجی است، بدین معنی که این کتاب‌ها بیشتر رویکرد تبلیغی به اسلام دارند. این گونه آثار نیز جوانانی را که تشنه پژوهش هستند سیراب نمی‌کند چرا که در این آثار، واقعیت، عینیت و استدلال کمتر دیده می‌شود. البته این گونه آثار اکنون نسبت به دهه‌های قبل بسیار کمتر شده است.

- چرا نقش مسلمانان و اسلام در تاریخ تمدن آن گونه که باید ثبت می‌شده، نشده است؟

یکی از اصلی‌ترین مشکلات این است که موسساتی که باید اسناد و مدارک را درباره نقش مسلمانان در تاریخ تمدن ضبط کنند و از جوامع اسلامی عکس، نقشه و نمودار جمع‌آوری کنند وجود نداشته‌اند یا این که کمتر چنین کاری انجام شده است. به طور مثال در گذشته مسلمانان از انرژی باد استفاده زیادی می‌کردند. آسیاب‌های بادی تیغ‌افز واقع در تربیت حیدریه و باخرز خراسان وجود داشته و مسلمانان این ابزار را ساخته‌اند. اما این گونه مسائل کمتر مکتوب شده است. بنابراین باید فرصتی گذاشته شود و روی این میراث تحقیق میدانی و همچنین تحقیقات کتابخانه‌ای انجام شود.

- یعنی این گونه کتاب‌هایی که نقش مسلمانان را در تاریخ علم ثبت کنند وجود نداشته‌اند یا این که در دسترس نیستند؟

کتاب‌هایی وجود داشته‌اند که تاریخ علم مسلمانان را ثبت می‌کرده‌اند و حتی کتاب‌هایی بوده‌اند که به آموزش این مقوله‌ها می‌پرداخته‌اند و این آثار به صورت نسخ خطی موجود است. اما اغلب به این کتاب‌ها دسترسی وجود ندارد و در کتابخانه‌ها خاک می‌خورند. به هر حال در ۱۵ سال اخیر در ایران تلاش‌هایی برای آشنا کردن نسل جوان با این متن‌ها و پرورش شاگردانی که پژوهشگران این متون باشند صورت گرفته است. پژوهشکده تاریخ علم دانشگاه تهران اکنون روی این موضوع کار می‌کند و بسیاری از این کتاب‌ها در قالب پایان‌نامه بررسی می‌شوند. از سوی دیگر پاره‌ای از این آثار نیز باز نشر شده‌اند.

- نقطه قوت کتاب‌های حوزه تاریخ تمدن اسلام در چیست؟

ما هزاران نسخه خطی داریم که به آنها می‌بالیم. ما از این نسخه‌ها بی‌اطلاعیم و روی این آثار مانور نداده‌ایم. موسسات تاریخ علم، پژوهشکده تاریخ علم و دانشکده‌های تاریخ تمدن و تاریخ اسلام باید روی تصحیح و به‌روز شدن این نسخه‌ها و دسترس‌پذیر کردن آن‌ها کار کنند. اگر این آثار در قالب پایان‌نامه بررسی شوند می‌توانند اطلاعات خوبی را در اختیار مخاطبان بگذارند. سایت‌هایی مانند خبرگزاری ایبنا نیز با انتشار مشروح جلسات دفاع این گونه کتاب‌ها می‌توانند به اطلاع‌رسانی درباره این آثار کمک کنند. اما نکته دیگری که باید به آن بپردازیم این است که زبان علم در گذشته به طور عام در جهان زبان عربی بوده است. انبوهی از آثار از سده یکم هجری و از زمان پیامبر اکرم(ص) تا به امروز، به زبان عربی است. ما مولفان فارسی داشتیم که به زبان عربی کتاب تالیف می‌کردند. به عبارت دیگر تولید ثروت کتابی ایرانیان به زبان عربی در این ۱۵ سده وجود داشته و این یکی از نقاط قوت ماست. ما می‌توانیم از این میراث برداشت کنیم. در این گونه آثار ذخایری نهفته است. من در مقاله‌ای با عنوان «تاریخ التدوین باللغة العربية فی ایران» درباره مقالاتی که ایرانیان از زمان پیامبر(ص) تاکنون به زبان عربی نگاشته‌اند، توضیحاتی ارائه کردم. در این کنگره کسانی بودند که فکر می‌کردند مولف بسیاری از این کتاب‌ها و مقالات عرب بوده‌اند در حالی که این گونه نیست. بنابراین باید روی این آثار بیشتر کار شود.

منبع: خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا)